

## بسم الله الرحمن الرحيم

### نفی "رابطه حجاب با طلاق و خیانت" در ترازوی نقد

اخیرا دکتر فاطمه موسوی ویایه، دبیر گروه مطالعات زنان انجمن جامعه‌شناسی، در یادداشتی با عنوان «حجاب، خیانت و طلاق» به بررسی نتایج چند پژوهش پیرامون روابط فرازنشویی و طلاق پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که امکان آشنایی با دیگران و اختلاط نامحرم و بدحجابی کم‌اهمیت‌ترین متغیرهای اثرگذار بر شیوع روابط فرازنشویی و طلاق هستند.

مریم هاشم پور، دکترای جامعه‌شناسی و عضو پژوهشکده تحول در علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز در یادداشتی به نقد گفته‌های ایشان پرداخته است:

چند روز پیش یادداشت دبیر گروه مطالعات زنان انجمن جامعه‌شناسی در چند سایت خبری بازنشر شد. دغدغه مندی خانم دکتر موسوی در حوزه مسائل زنان و خانواده ارزشمند است ولی به نظر می‌رسد در تحلیل مسئله‌ی رابطه‌ی حجاب با روابط فرازنشویی و طلاق بایستی به چند نکته توجه داشت:

اول. هیچ‌یک از تحلیل‌هایی که بدحجابی را موثر بر خیانت، طلاق و سست شدن بنیان خانواده دانسته‌اند، منکر سایر عوامل موثر نظیر مهارت گفتگو و رسانه و ... بر این مسائل نیستند و ناظر به افزودن این عامل به عوامل تحلیلی موجود می‌باشند.

دوم. مطالعات جامعه‌شناختی، مبتنی بر نظریات جامعه‌شناسان مدرن غربی انجام شده است و از این رو انتظار نمی‌رود که بتوان مبتنی بر آن‌ها تحلیلی بومی از وضعیت جامعه ایران اسلامی ارائه داد. به طور نمونه در "فرا تحلیل مطالعات انجام شده در حوزه طلاق در ایران" که در یادداشت مذکور به آن اشاره شده، نویسندگان ذکر کرده‌اند که در بین مطالعات مرور شده، بیشترین استفاده از نظریه‌های دورکیم، هیل و باور بوده است. طبیعتاً انتظار نمی‌رود این نظریه پردازان، دغدغه‌ای در حوزه حجاب داشته باشند که قضایای نظری برای آن تعریف کنند (۱).

سوم. یکی از خلأهای بزرگ جامعه‌شناسی ایران، تمرکز بر رویکرد تجزیه‌گرایانه و فقدان ارائه‌ی تحلیل جامع و مبتنی بر منطق سیستمی از پدیده‌ها و مسائل اجتماعی است. متأسفانه این ضعف در تحلیل یادداشت مذکور نیز مشاهده می‌شود. لذا حتی اگر بنا را بر این بگذاریم که تحلیل مسائل طلاق و روابط فرازنشویی مبتنی بر نظریات جامعه‌شناسان غربی کارایی لازم را برای ما دارد، باز هم نمی‌توانیم تحلیل ارائه شده در یادداشت مذکور را بپذیریم. دلیل این قضیه، در ادامه بیشتر توضیح داده می‌شود:

۱. بررسی رابطه‌ی حجاب با روابط فرازنشویی و طلاق نیازمند ارائه سه دسته تحلیل است: تحلیل برداشت کنشگران اجتماعی درگیر در فرآیند مسئله اجتماعی، تحلیل برداشت متخصصان فعال در

حوزه ی آن مسئله اجتماعی و تحلیل و بررسی اسناد و آمارهای مرتبط. تحلیل یادداشت مذکور از مسئله ی روابط فرازنشویی و طلاق، تنها ناظر به اولین برداشت است و کوچک ترین توجهی به نظرات متخصصان و اسناد و آمارها نداشته است حال آنکه مطالعاتی در ایران انجام شده که به بررسی نظرات صاحب نظران، متخصصان و فعالان این حوزه نیز پرداخته اند (۳ و ۲).

۲. از سوی دیگر، تحلیل ارائه شده در یادداشت مذکور از برداشت های کنشگران نیز تحلیلی تجزیه گرایانه است بدین معنا که نتایج به صورت گزینشی گزار شده و نیز ربط و نسبت سیستماتیک عوامل اجتماعی مرتبط، نادیده انگاشته شده است.

مرور مطالعاتی که در یادداشت مذکور به آن ها اشاره شده نشان دهنده یافته های دیگری نیز هست: مطالعه چوپانی و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان ادراک مردان بی وفا از علل و عوامل بازدارنده از روابط فرازنشویی، مطالعه فیروزجائیان و قدیری (۱۳۹۶) با عنوان مطالعه پدیدارشناختی دلایل بی وفائی زنشویی، به ترتیب عدم پای بندی مذهبی و ضعف دینداری را از جمله دلایل روابط فرازنشویی ذکر نموده اند. مطالعه نیازی و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان فراتحلیل مطالعات و تحقیقات درباره عوامل مرتبط با طلاق در ایران برای دوره ۱۳۸۶-۱۳۹۶ که در بین عوامل فرهنگی دو متغیر را دارای بیشترین تاثیر می داند که یکی از آن ها میزان دینداری است. حال، سوال این است که چگونه می توان میزان دینداری و پای بندی به واجبات دینی را بر گرایش به طلاق و روابط فرازنشویی مؤثر دانست ولی حجاب را که از اصول دینی مسلم است، از تحلیل حذف نمود؟ ربط و نسبت بین این عناصر در صحنه ی میدان اجتماعی انکارناپذیر است.

همچنین مطالعات ذکر شده در یادداشت نشان می دهند که یکی از عوامل مؤثر بر خیانت زنشویی را "کارکردن در یک محیط زنانه" (۴)، "محیط شغلی با افراد غیر هم جنس" (۵) و "سرو کله زدن زیاد با مشتری های زن" (۴) دانسته اند. این چند مقوله ی مستخرج از این تحقیقات، چگونه با مقوله ی حجاب بی ارتباط هستند؟ مگر نه این است که پوشش و حجاب زن، یکی از عوامل مهمی است که او را از ابژه ی جنسی بودن خارج می کند و شرایط حضور اجتماعی اش را فراهم می سازد.

در پایان باید گفت که به نظر می رسد تحلیل مسائل حوزه خانواده و زنان در ایران در صورتی به ثمر رسیده و کارآمدی لازم را خواهد داشت که مبتنی بر منطق سیستمی و رویکردی همه جانبه نسبت به مسائل اجتماعی ارائه گردد.

## منابع

۱. فیروزجائیان، ع.ا.، صادقی، س.، جانمحمدی لرگانی، و. لطفی، ط. (۱۳۹۷). فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه طلاق در ایران، *مطالعات زنان و خانواده*، ۶(۲): ۱۱۱-۱۴۳.
۲. افشاری، م. ح.، یزدانی، ح. ر.، هاشمیان، م. ح. (۱۴۰۰). شناسایی نگرش مشاوران خانواده نسبت به علل پیدایی روابط فرازنشویی زوجین شهر تهران، *مطالعات زن و خانواده*، ۱۰(۱): ۳۶-۶۰.

۳. شرف الدین، س. ح.، صالحی زاده، ع. (۱۳۹۵). زمینه های روابط فرازنشویی در ایران؛ مطالعه مورد شهر تهران، معرفت فرهنگی/اجتماعی، ۷(۳)، ۱۱۷-۱۳۸.
۴. چوپانی، م.، سهرابی فرد، م. م.، محمدی، ف.، اسماعیلی، ن.، صمدی فرد، آ. (۱۳۹۸). ادراک مردان بی وفا (خیانت) از علل و عوامل بازدارنده از روابط فرازنشویی: یک مطالعه کیفی، پژوهش های مشاوره، ۶۹: ۷۹-۱۰۵.
۵. تاج بخش، غ. (۱۴۰۰). واکاوی عوامل زمینه ساز روابط فرازنشویی، زن در توسعه و سیاست، ۷۴: ۶۱۴-۵۹۵.